

تاریخچه پیدایش هیات های عزاداری

کلمه «هیات» در لغت به معنای «صورت، شکل، حالت هر چیز» آمده است.



کلمه «هیات» در لغت به معنای «صورت، شکل، حالت هر چیز» آمده است. [1] و منظور از هیات های عزاداری، نوعی تشکل مذهبی، بر محور عزاداری برای سید الشهداء و ائمه - علیه السلام - است. [2] مجموعه هایی از مردم هر محله، در شهرها یا روستاها، که برای سوگواری و روضه خوانی نسبت به امام حسین - علیه السلام - بویژه در ایام عاشورا تشکیل می یابد. [3]

مهمترین گروهها و فعالیت های گروهی هر محله که هنوز هم پابرجا مانده است، همین هیات های عزاداری می باشد. این هیات ها دارای تمام خصوصیات یک گروه اجتماعی کامل هستند. یعنی دارای نظام تقسیم کار و تفکیک نقش های دقیق و درونی شده هستند. پس [4] گروه اجتماعی از یک عده افرادی تشکیل شده است که دارای یک وجه اشتراک مهم، فعالیت مشترک و کنش متقابل و احساس تعلق خاطر یا احساس [5] باشند. [6]

البته این نظم و تفکیک کار در هیات ها از همان بدو پیدایش نبوده است بلکه به تدریج و به مرور زمان به صورت منسجم درآمده است که ما شاهد عینی آن به صورت هیات های عزاداری امروزی می باشیم.

پیدایش عزاداری رسمی و علنی بر امام حسین - علیه السلام - از زمان آل بویه شکل گرفته است. آل بویه شیعه اثنی عشری بودند و خلفای عباسی که بغداد مقر آنان بود، سنی مذهب بودند. اوج قدرت آل بویه در زمان معزالدوله بود در حالی که در این زمان خلفای عباسی در ضعف کامل به سر می بردند. [7] معزالدوله در سال 352 هـ. ق دستور داد که مردم در روز عاشورا گرد یکدیگر برآیند و اظهار حزن (و عزاداری نسبت به امام حسین - علیه السلام -) کنند. در این روز بازارها بسته شد، خرید و فروش موقوف گردید، قصابان گوسفند ذبح نکردند، هرپسه پزها، هرپسه (حلیم یا آبگوش) نمیختند، مردم آب ننوکیدند، در بازارها خیمه برپا کردند و بر آنها پلاس آویختند، زنان بر سر و روی خود می زدند و بر حسین - علیه السلام - ندبه می کردند، در این روز نوحه گری و ماتم به پا گردید.... [8] این مراسم و عزاداری در زمان آل بویه فقط روز عاشورا بوده و تا انقراض این سلسله هر سال، تکرار می شده است. در زمان صفویان نیز از آنجایی که مذهب رسمی، شیعه دوازده امامی بوده است، مراسم عزاداری در ماه محرم و روز عاشورا انجام می گرفته و همراه با قمه زنی بوده است.

تاورنیر، سیاح و سفرنامه نویس اروپایی در حضور شاه سلیمان ناظر مراسم سوگواری ماه محرم بوده و می نویسد: [9] شاه سلیمان در ساعت 7 صبح در وسط تالار جلوس کرده و بزرگان همه بر پا ایستاده بودند. مسئولیت برپایی نظم به بیگلر بیگی سپرده شده بود... بعد از آن بیگلر بیگی شروع به داخل کردن دسته ها کرد. هر دسته عماری داشت که هشت تا ده نفر آن را حمل می کردند و در هر عماری تابوتی گذارده و روی آنرا با پارچه زری پوشانده بودند... [10]

اولناریوس هم شاهد عزاداری مردم در شهر اردبیل بوده است، وی می نویسد: [11] مراسم در میدان بزرگ شهر انجام می گرفت... اردبیل پنج خیابان اصلی بزرگ دارد و هر یک از آنها مختص به صنف معینی است. این اصناف هر کدام دسته ویژه جداگانه ای تشکیل داده اند و برای خود مداحان جداگانه ای دارند. صنفی که بهترین سروده و نوحه را ارائه دهد، مشهور می شود. این گروه ها به مدت دو ساعت یکی پس از دیگری به نوبت عزاداری می کنند... [12]

در زمان حاکمیت ایل زند نیز (چون پیرو آیین تشیع بودند و از آنجایی که کریم خان مرد متدین و مقید به آداب و مراسم مذهبی بود) به تقلید از پادشاهان صفوی، در ایام محرم به برگزاری مراسم عزاداری می پرداختند. [13] اما در زمان قاجاریه به خصوص در عهد ناصر الدین شاه ما شاهد برپایی عزاداری چشمگیر هستیم. به نحوی که مراسم دیگر منحصر به روز عاشورا نبوده بلکه به دهه اول محرم و به ایام سوگواری های ائمه - علیه السلام - مانند 19 تا 23 رمضان و 28 صفر نیز گسترش یافته بود. خود ناصر الدین شاه در دهه اول محرم در تکیه دولت حضور پیدا می کرد و سالانه مبلغ پنجاه هزار تومان برای برگزاری مراسم سوگواری امام حسین - علیه السلام - خرج می شد.

گزارش های نظمیته تهران از محلات مختلف در سال های 1303 تا 1305 خبر از برپایی مراسم عزاداری می دهد. از بررسی گزارش های مربوطه به روز هفتم محرم 1304 بر می آید که 48 مجلس روضه و در روز تاسوعای همان سال 53 مجلس برگزار شده است. گذشته از دو ماه محرم و صفر، چنان که گزارش های نظمیته گواهی می دهند مجالس روضه خوانی در دیگر ماه های سال نیز برگزار می شد.

شنیده شده است که رسم روضه های هفتگی و ماهانه را ملا آقا دربندی بنیاد نهاده. [8] در دوره پهلوی ابتدا رضا شاه برای تثبیت حکومت خود و جلب توجه مردم، به برگزاری مجلس روضه خوانی اقدام می کرد و حتی هنگام عزاداری گل بر سر خود می مالید. [9] اما بعد از گذشت چند سال، او از برگزاری مجالس و مراسم عزاداری به کلی جلوگیری کرد و به شدت با برگزاری آنها مخالفت و مبارزه نمود. او روضه خوانها را زندانی و اذیت و اهانت می کرد و صاحب خانه را به جرم روضه خوانی دستگیر و زندانی می نمود. در این اوضاع و احوال بود که روضه خوانی و عزاداری مخفیانه در خانه ها برگزار شد، هر چند منع عزاداری با مخالفت شدید و مبارزه مردم روبرو شد، ولی کم کم روضه خوانی و عزاداری بطور پنهانی به خانه ها کشیده و پایه و بنیان هیئت ها بناگذاری شد.

در زمان محمد رضا شاه، عزاداری آزاد ولی بسیار محدود شده و خروج دسته جات را منحصر به سه روز تاسوعا و عاشورا و یازدهم محرم نمودند و آن هم به خاطر استفاده از این فرصت برای تبلیغات سوء علیه عزاداری امام حسین - علیه السلام - بود تا مراسم مذهبی و سنت های موروثی آباء و اجدادی ما را از بین ببرد و یا به شکل دیگری تغییر بدهد.

منع عزاداری توسط رضا و محمد رضا باعث ایجاد تشکل های مردمی و دسته جمعی به صورت هیئت های مذهبی گردید. تا اینکه در دوران انقلاب اسلامی به اوج خود رسید. به موجب آماري که از سازمان تبلیغات اسلامی تهران و غیره بدست آمده، تعداد دسته جات و هیئت های حسینی تهران تا سال 1376 شمسی به چهار هزار و پانصد هیئت رسیده و با دسته جات اطراف تهران که مجموع دسته جات استان بود به حدود هشت هزار هیئت می رسید. [10] در این هیئت ها علاوه بر مجالس روضه خوانی هفتگی و ماهیانه و دهگی، مجالس دعای کمیل و ندبه و سمات و زیارت عاشورا برگزار می گردد. نکته قابل ملاحظه درباره اسماء هیئت ها این است که هر هیئتی نام خاص و پرچم و علامت ویژه انتخاب می کند. هیئت های عزاداری، گاهی متوسلین به یکی از ائمه - علیهم السلام - و یا گاهی به شهدای کربلا هستند. مانند هیئت علی اصغر، علی اکبر، امام سجاد - علیه السلام - و... نویسنده توانا و اهل قلم، حجة الاسلام جواد محدثی در کتاب خود راجع به تاریخ این گونه هیئت ها می نویسد:

«# هیئت که نوعی سوگواری گروهی است، در قدیم هم رایج بوده و شیعیان به صورت جمعی نوحه خوان و با تشکیلات به زیارت قبر حسین - علیه السلام - می رفتند. امام صادق - علیه السلام - به فائد حیات که خبر این گونه زیارت های جمعی را باز می گفت، فرمود: هر کس قبر حسین - علیه السلام - را زیارت کند، در حالی که به حق او آشنا باشد خداوند گناهان گذشته و آینده او را می آمرزد. [11];

از قدیم ترین هیات های موجود در تهران می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

1. هیئت محبان حسین که در سال 1363 هـ . ق تاسیس شد. از علمای شرکت کننده در این هیئت می توان از آیت الله حاج میرزا ابوالقاسم تنکابنی و محمد رضا تنکابنی، آیت الله خوانساری، واعظ محترم سلطان الواعظین شیرازی و... نام برد.

2. هیئت احمدی که در سال 1365 هـ . ق تاسیس شد.

3. هیئت کربلائیهای تهران که در 1348 هـ . ش تاسیس گردید. این هیئت بسیار گسترده و وسیع بوده و شعبه های متعددی در نقاط مختلف تهران پیدا کرد.

4. هیئت کربلائیهای مقیم قزوین در تهران به سال 1352 هـ . ش تاسیس گردید. [12]

پس هیات های عزاداری که ما امروزه شاهد آن هستیم، ابتدا در مفهوم و معنا گسترده و عام بود و به تدریج این تشکل خاص و منظم به صورت «# هیئت; شکل گرفت. در زمان آل بویه عزاداری به صورت علنی برای اولین بار صورت گرفت و در زمان صفویه نیز ادامه یافت و در دوره قاجاریه به اوج و گستردگی خود رسید به طوری که علاوه بر روز عاشورا، دهه محرم و ماه صفر و حتی تشکیل مجالس روضه هفتگی و ماهیانه شکل پیدا کرد. در دوره پهلوی با ممانعت حکومت، عزاداری های به صورت منظم و هیئت هایی در خانه ها به صورت مخفیانه تشکیل یافت تا اینکه در دوره انقلاب اسلامی این هیئت های خانگی، رسمی و آشکارا به ارائه برنامه های مختلف پرداختند و هر هیئتی بنام یکی از شهدای کربلا و ائمه - علیهم السلام - شروع به فعالیت کرد.

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

1. ایران و تشیع، نوشته دکتر دادخواه.

2. تاریخچه عزاداری حسینی، تالیف شهرستانی.

[1] . دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، دانشگاه تهران، 1258، 1334 ش، ج 49، ص 351.

[2] . محدثی، جواد، فرهنگ عاشورا، قم، نشر معروف، چاپ سوم، چ دانش، 76، ص 472.

[3] . رفیع پور، فرامرزی، آناتومی جامعه، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، 78، چ هنر، 77، ص 109.

[4] . فقیهی، علی اصغر، آل بویه، چاپخانه دیبا، چاپ سوم، 67، ص 459.

[5] . نوایی، عبدالحسین و غفاری فرد، عباسقلی، تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوران صفویه، تهران، سمت، چ اول، 81، ص 383.

[6] . نوایی، عبدالحسین، و... همان، ص 384.

[7] . شعبانی، رضا، تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی ایران در دوره های افشاریه و زندیه، تهران، سمت، چاپ چهارم، 81، ص 155.

[8] . منظور الاجداد، سید محمد حسین، بزرگداشت حماسه حسینی در تهران، عصر ناصری، فصلنامه تاریخ اسلام، سال دوم. شماره یکم، بهار 80، قم، موسسه باقر العلوم، ص 168.

[9] . جمعی از نویسندگان. انقلاب اسلامی و چرایی و چگونگی رخ داد آن، دفتر نشر معارف، نهاد رهبری در دانشگاه ها، 81، چاپ 23. ص 53.

[10] . کاشانی، سید حسین معتمدی، عزاداری سنتی شیعیان در بیوت علما و حوزه های علمیه و کشورهای جهان، قم، ناشر مولف، چاپ اعتمادی، چاپ اول، 79، ج 2، ص 229.

[11] . محدثی، جواد، همان.

[12] . کاشانی. سید حسین معتمدی، همان، ج دوم، ص 234.